آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود

« بهای اشتراک »
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دو از صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

جای اداره:
(خیابان خیام جنب کوچه حمام [illegible])

دشنام ـ چاپلوسی

فحش و تملق هر دو مذموم است هر دو [illegible] است هر دو خبر [illegible] ... [illegible] از قدیم خبر [illegible] ... از مبادرت [illegible] ... دور افتادن از [illegible] امور و واقعیات است . فحش [illegible] در دیگر دمایم و چاپلوسی و [illegible] بیان مدامه است . هر دو [illegible] دارد وقتی سالت [illegible] سرعت سقوط بطور دایم [illegible] افزوده میگردد . [illegible] که فحاشی دمایمی را [illegible] در [illegible] ذکر [illegible] و تملق [illegible] چاپلوسی [illegible] را [illegible] در مدح [illegible] بیان میکند در این مرحله [illegible] مداح را [illegible] را [illegible] میتوان خواند . به کسی که بدی [illegible] میگویند تا وقتی از حقیقت دور [illegible] نمیتوان فحاشی گفت و به آن که [illegible] میستاید تا زمانیکه [illegible] در ممدوح خود را [illegible] نمیتوان [illegible] گفت .

از این مقدمه بخوبی استنباط میشود [illegible] ذم جایز و فحاشی و [illegible] جایز و تملق و چاپلوسی [illegible] موجود است . [illegible] خیلی لرزان و [illegible] و با وضوح و روشنی دیده میشود چند سال پیش در یکی از جراید [illegible] ... امریکا را [illegible] ... امریکائی خواندم . [illegible]

[illegible]

نخست بر علیه این مرض است . این یک مرض روحی عادی شده است .

آیا بر علیه چاپلوسی و تملق [illegible] ... [illegible]

[illegible]

تعبیضهای زیان آور

مخبر ما از تبریز مینویسد

مردمان تبریز از سیاست زیان آور تهران دل خوشی ندارند تصور میکنیم در سایر شهرستانها نیز همینطور باشد میگویند ما علاقه مند هستیم در میان تمام افراد ملت ایران وحدت و یگانگی محکم و قطعی ایجاد بشود ما ها کی تبریزیها در این راه امتحان خود را داده ایم هنوز هم داریم در تمام مالیات کشور بدون تبعیض سهم خود را می پردازیم حتی در خصوص مالیات بر درآمد هم دیده شد که آذربایجانیها هزار بار التهاب و حرارت تهران را نشان دادند ولی معلوم نیست روی کدام اصل مردمان تهران اشرف مخلوقات شده اند در تقسیم مصارف و مخارج و دوائر عالی مقام اول را اشغال کرده شهرستان های دیگر را تحت شعاع خود قرار میدهند . بویژه در کلیات تمام شئون اجتماعی که بطور ظالمانه تبعیض میشود [illegible] اقلا موضوع جیره بندی را [illegible] برای صورت ظاهر هم باشد [illegible] اجرا بکنند و معلوم نیست برای چه باید تهران ماهیانه نفری یک کیلو قند و شکر بگیرد و شهرستانهای دیگر چهار صد گرم شکر سیاه حتی تبریز از چهار ماه باین طرف آنرا هم نتوانسته است بگیرد [illegible] اصلا شکر سیاه هم داده نمیشود . این مسئله بازیها معلوم [illegible]

غلام حسین [illegible] ـ طرح نقشه بیمه اجتماعی

آیا از بیکاری میتوان جلو گیری کرد ؟

آیا از بیکاری میتوان جلو گیری کرد ؟ پاسخ من مربوط باین است که مقصود شما از جلو گیری از بیکاری چیست اگر مقصودتان این است که بیکاری را بکلی از بین برده و به هر مردی [illegible] شغل باشد در تمام ایام بیکارش کار بدهید ، گمان نمیکنم بیکاری را بکلی بتوان از بین برد .

اولا مشاغلی بیکاری وجود دارد که بمناسبت فصل نمیتوان در سرتاسر سال بدان مشغول شد ، ساختمانها ، حمالی ، کرجی کشی هائی که بنادر معینی رفت و آمد میکنند ، درو و غلات ، میوه چینی مثالهای این گونه مشاغل میباشد . ولی تغییرات فصلی کار از حدود این موارد پیش پا افتاده هم تجاوز میکند و غریبا در تمام رشته های صنعت مشاهده میگردد .

بیکاری فصلی

ممکن است شما کار [illegible] را در یک فصل سکوت و کسادی اجرت بدهید ، در هر حال آنچه مزد میپردازید که بتوانند زندگی کنند ولی این بیکار را اجرت نیست و در واقع یک نوع [illegible] بیکاری بشمار میرود [illegible] ایشان [illegible] کار موقتی بکار و به می پردازند . اگر دوره فصلی که در کار پیدا شده کوتاه باشد (و معمولا کوتاه است) کارگران به همین [illegible] بیکاری [illegible]

[illegible]

روز ممکن است عده بیکار باشند ولی همیشه تعداد مشاغل بلا متصدی بیش از عده آن بیکارها خواهد بود بطوری که هر فردی که سعی از کار خود دست بکشد بلافاصله کار تازه خواهد یافت .

خطر کردن در زندگی

بکار بردن تمام نیروی کارگری کشور چنین معنی میدهد که رقابت و ابتکار و ایجاد تغییرات و عصر ارتس (ریسک) [illegible] از بین برود باشد نتیجه این خواهد بود که [illegible] بر جائی برای کار وجود نخواهد داشت بطوریکه اگر مثلی در یک رشته کار [illegible] لزوم [illegible] بیکار [illegible] خواهد بود [illegible] بیکاری [illegible] خواهد بود [illegible] تمام [illegible] نیروی کارگری [illegible] میشود که همیشه برای هر کس کار [illegible] باشد ولی [illegible] که [illegible] کار [illegible] بیکاری [illegible] و [illegible] برای اینکه [illegible] نداره کار ایجاد [illegible] برای همه [illegible] بیکارهائی [illegible] ... [illegible]

آزادیهای اساسی

[illegible]

علاج

[illegible]

سطح کار

[illegible]

تفسیر اخبار داخله

آراء لواسانات

بقرار خبر مسرجه در جراید آقایان بازرسان صندوق لواسانات از محل مراجعت کرده اند و گزارش خود را هم باطمینان [illegible] داده اند . احتمال میدهند انجمن در صدد ابطال آراء مزبور بر بیاید .

انتخابات تبریز

مطابق اطلاع واصله از [illegible] انتخابات تبریز استخراج آراء [illegible] ۱۰ بهمن آغاز خواهد شد .

اگر [illegible] مانع حاصل و اشکالی تراشیده نشود .

استاندار تبریز

آقای دادور (وثوق السلطنه) بسمت استاندار تبریز معین و عنقریب بطرف محل ماموریت رهسپار خواهد شد . امیدوار بود امور آنجا بنحوی و بطرزی کامل نظم دهند و علی الخصوص در امر انتخابات از اعمال بعضی غرض ها جلو گیری بعمل آورند .

اعتصاب کارگران تلفون

کارگران تلفون علت کمی مزد و سختی معیشت چند روز است اعتصاب کرده و تقاضاهائی دارند که [illegible] آن از طرف آن اداره داده شده است

[illegible]

اعتبار نطق های اعتراض آمیزی بر علیه اداره تبلیغات واعمال غیر قانونی رئیس آن بر علیه آزادی مطبوعات ایراد شد . روبهمرفته این نطق ها متوجه اداره تبلیغات بود نه دولت منظور عموم .

سی نفر افسر شوروی

[illegible]

جلسه نمایندگان

[illegible]

تلگراف !

از اصفهان

کمیته مرکزی حزب توده ایران کمیته رهبری [illegible] آژیر [illegible] روز [illegible] شهدای آزادی مخصوصا دکتر ارانی که در زمان رضا خان شهید شده [illegible] چهاردهم بهمن از طرف [illegible] و آزادی خواهان تسلیت گفته دموکراسی و [illegible] خواهانیم حزب توده ایران [illegible]

از رضائیه

تهران جناب آقای [illegible] وزیر [illegible] رونوشت [illegible] رونوشت انجمن [illegible] رونوشت آقای [illegible] ... [illegible]

از نوچان

[illegible]

تقاضا از مخبرین شهرستانها

از عموم خبرنگاران خصوصی ورسمی آژیر در شهرستانها و کارخانه ها و غیره تقاضا میشود در تنظیم خبرها نهایت دقت را ملحوظ داشته و بیطرفی و بیغرضی کامل را مراعات نمایند . در آینده اگر در خبرهای واصله برخلاف آرزوی مالغرض و باغرضی دیده شود ، انتشار آن خبر [illegible] خواهد شد ، مخصوصا به دوستان کارگر خود سفارش میکنیم که در تنظیم اخبار [illegible] و واقعیت را در نظر داشته و از تحت تاثیر بعضی عناصر [illegible]

تصحیح غلطهای شماره پیش

در شماره گذشته در صفحه سوم [illegible] اغلاط چندی [illegible] مصرح [illegible] دیده میشد که [illegible] غلط گیری روزنامه از نظر دور [illegible] بود ـ با تقدیم معذرت از خوانندگان [illegible] بشرح زیر تصحیح میشود

صفحه ۲ ستون ۴ سطر ۳ بجای « مثل آن هنگام [illegible] » باید « مثل آن هنگام [illegible] » خوانده شود .

صفحه ۱ ستون ۳ سطر [illegible] بجای « [illegible] پیروزی الخ » باید « اعلام این پیروزی ... » خوانده شود .

مهمترین اخبار

قرقیز علیه مهاجمین آلمانی [illegible]

[illegible]

[illegible]

مهمترین خبرهای خارجی

اهمیت آپستاو و

مسکو - چنانکه خبرگزاری شوروی گزارش میدهد خبرنگار روزنامه کراسنایا زوزدا مینویسد شهر آپستاو که مرکز بزرگ راههای آهن میباشد عقب‌ترین نقاط نیروهای دشمن مقیم کریوارک و سایر های مقیم نیکوپول بود و از آنجا آذوقه و کمکی و اسلحه و مهمات برای آنها فرستاده میشد.

در این اواخر که نیروهای ما در قسمتهای مختلف بحمله پرداخته‌اند و به راهمیت شهر آپستاو که نقطه تلاقی راههای آهن است مراتب افزوده شده بود زیرا آلمانها مرجانب و مهمات خودرا با راه آهن از طرف آپستاو وحمل و نقل میکردند و واحدهای جبهه سوم اوکراین در قسمت شمال خاوری کریوارک آغاز حمله نموده و با کمک توپخانه نیرومند خود استحکامات صحرائی دشمن را خراب کرده و پس از مغلوب و متفرق ساختن لشکرهای یکصد و دوازدهم و سیصدو [illegible] و یک لشکر آلمانی مقابل خود منزل پیش رفته و خط راه آهن را که به طرف کریوارک میرفت تصرف کردند واحدهای ما همواره مشغول استفاده از این موفقیتهای خود بوده و از طرفی هم دشمن از نیکوپول که مرکز عقب وی بود نیروی کمکی آورده و [illegible] طریق در ناحیه مرکزی وسایل دفاعی خود را تقلیب میکرد.

دسته‌های دیگر نیروی ما [illegible] شکافتن خط دشمن در این منطقه [illegible] بودند از موقع استفاده کرده [illegible] در نقاطی که بیشتر مناسب حمله بود استحکامات دفاعی دشمن را شکافتند و واحدهای سوار شوروی فورا داخل همین شکافها شده و در طرف [illegible] جنگ می‌وپنج کیلومتر پیش رفتند. در آخر روز سوم علوداران ما [illegible] بزرگ کماها شده و بدون آنکه به دشمن مجال بدهند بسوی آپستاو حرکت کردند و در این ضمن نیروهای مسلح موتوریزه را تصرف نموده بودند و [illegible] را نیز متصرف شده با دهای شمال آپستاو رسیدند.

آن دسته از نیروی شوروی که خط راه آهن کریوارک را مقطوع ساخته بود از سمت جنوب باختری شروع به محاصره آپستاو نمود. آنگاه واحدهائی که در کوماتکا حمله برده بودند وارد این منطقه شدند و هنگامیکه از هر طرف بر شهر حمله شد و پس از پیکار شدیدی در کوچه و خیابانهای [illegible]

[illegible] برای بر [illegible] گردد و [illegible]

...

واشنگتن - [illegible] آمریکا [illegible] که دولت آمریکا [illegible] دولت ایالات متحده [illegible]

ارتش سرخ نیکوپل را اشغال و تکیه گاه آلمانی هارا نیز نابود نموده است

مسکو - [illegible]

[illegible]

اهالی فنلاند سخت عصبانی هستند

[illegible] خبرگزاری [illegible] اهالی فنلاند [illegible] هواپی [illegible]

[illegible]

انجمن کشاورزی خاور میانه

[illegible] خبرگزاری [illegible] انجمن کشاورزی خاور میانه [illegible]

[illegible] گردد.

هرچند که این انجمن در آغاز جنبه موقتی داشت ولی اینک بیشتر از فعالیت که از آن منافع سرشاری فایده میشود دائمی گردد.

اینک انجمن میتواند [illegible]

هرلیره انگلیسی ۲۰۰ فرانک قیمت خواهد داشت

[illegible]

مبادلات از قرار هر لیره انگلیسی به ۲۰۰ فرانک معین شده است و مقرر گردیده که [illegible]

[illegible]

آگهی مناقصه

کارخانه [illegible] مقدار [illegible] نام [illegible] تا ۲۰ میلیمتر و سه عدد [illegible] ۱۲ میلیمتر را برای دستگاههای تراش شمیر به مناقصه خریداری مینماید.

شرکت کنندگان باید صدی پنج بهای پیشنهادی خود را به عنوان سپرده [illegible] پرداخته وقبض سپرده آن را پیوست پیشنهاد خود نموده تا ساعت ۹ صبح روز ۲۹ / ۱۱ / ۲۲ دفتر کارخانه تسلیم و رسید در یافت دارند پیشنهادهای رسیده در ساعت ده صبح همان روز با حضور پیشنهاد دهندگان [illegible] خواهد شد پیشنهادهای فاقد سپرده ترتیب اثر داده نمیشود وچک های سپرده پذیرفته نخواهد شد درصورت استنکاف برنده مناقصه از تحویل کالا سپرده او بنفع دولت ضبط خواهد شد واداره در رد وقبول پیشنهاد ها مختار است.

ش ۲۶۶

اداره حسابداری کارخانه [illegible] - وزیری [illegible]

آگهی حصر وراثت

[illegible] ۱۳۲۲/۹/[illegible] بانو گلستان [illegible] شناسنامه شماره [illegible] [illegible] گواهی نامه ورثه خواست شماره [illegible] داده [illegible] دارنده شناسنامه شماره ۳۸۲۳ در تاریخ ۲۲/۹/۱۳۲۲ در طهران [illegible] خود فوت و حین الفوت ورثه متوفی منحصر به یکنفر مادر [illegible] گلستان [illegible] و یکنفر پسر بنام علی‌ابراز [illegible] شناسنامه شماره [illegible] ۹۶ و [illegible] بنام [illegible] ابراز [illegible] شماره [illegible] ابراز شناسنامه شماره ۳۸۲۶ غیر از ٤ نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از طی گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود [illegible] مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه [illegible] از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و [illegible] وصیت نامه غیر از رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

نوبت سوم ۲۰ / ۱۱ / ۲۲

رئیس دادگاههای بخش طهران علی اکبر [illegible]

[illegible] کرده و با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع مختلف با انجام مطالعه و [illegible] و [illegible] اساس نقشه [illegible] که در هر ناحیه با استعداد توسعه کشاورزی اقدام نماید.

پس از بمباران هلسینکی

برن - طبق اظهار خبرگزاری [illegible] خبرگزاری آلمان [illegible] رسمی دولت فنلاند را بشرح زیر انتشار داد در حمله هوائی بر هلسینکی تعداد تلفات بالغ بر ۲۸ نفر کشته و ۲۲۲ نفر زخمی میباشد.

...

لندن - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد [illegible] ستاد ارتش متفقین [illegible] که دیروز انتشار یافته چنین اظهار داشته است.

عملیات زمینی

در جبهه اصلی ارتش پنجم نیروهای آمریکائی همواره حملات خود را برعلیه [illegible] ادامه داده‌اند.

واحدهای ارتش پنجم در تکیه‌گاه آنزیو مواضع خود را مستحکم کردند، در جبهه ارتش هشتم هم نیروهای گشتی ما فعالیتهای ابراز داشته‌اند.

عملیات هوائی

دیروز [illegible] متوسط ما بر ایستگاه راه آهن و [illegible] حمله بردند.

علاوه هواپیما های ما [illegible] در [illegible] بر [illegible] و [illegible] دشمن حمله نمودند. شکاریهای بمب‌افکن ما هم بر راه آهنهای واقع در پشت خطوط دشمن حمله کرده‌اند و از طرفی هم هواپیماهای شکاری ما برفراز میدان جنگ عملیات گشتی انجامی خود را انجام کرده‌اند.

اخبار گوناگون

یک بمب‌افکن [illegible] آلمانی روز دوشنبه بعد از ظهر از [illegible] بیک بیمارستان آمریکائی حمله گردیده است ۲۶ تن کشته و [illegible] زخمی شده‌اند.

...

ستاد ارتش عملیات اروپائی [illegible] میدارد که دژهای پرنده دیروز [illegible] های فرانکفورت حمله‌ور گردیده [illegible] هواپیماهای لیبراتور [illegible] با [illegible] بزرگ هواپیماهای شکاری [illegible] بودند بهدفهای واقع در شمال [illegible] حمله بردند.

...

رسما اعلام گردیده است که در [illegible] زمین لرزه در ترکیه آمار کشتگان [illegible] ۲۵۰۰ تن بالغ گردیده ولی [illegible] نیمه رسمی حاکی است که این [illegible] ۵۰۰۰ تن رسیده است.

ترجمه کریم کشاورز - ۲۲ - نگارش جون بی پریستلی

تاریکی گرتلی

افسر پلیس گفت «شما گفتید که او در کار خود استاد بوده آیا میتوانید بگوئید که چه کاری داشت؟»

من حالت تعجب بخود گرفته گفتم «چطور؟ چه کاری داشت؟ من که گفتم در کارخانه بانون اسمیت کار میکرد.»

همپ گفت: «اگر او فقط کارگر آن کارخانه بود پس در تاریکی از یک حادثه سوء ساده کشته شده است.»

ابتدا من بچون ساختگی و تنها متعجب شده گفتم «منظورتان از این سخنان چیست؟»

او گفت «بنظر میرسد که شما از بعضی چیزها اطلاع دارید و هم چیز هائی میدانم. اگر آنچه را شما میدانید بمن اطلاع بدهید منهم آنچه را میدانم شاید بشما بگویم... آری حتی حتما خواهم گفت.»

من گفتم «خوب. من اطلاع دارم که اولین (شاید هم اسم حقیقی او اولین نباشد) کارمند اداره مخصوص بود و در اینجا بعنوت کارمند بانون اسمیت مشغول کار بود. من دیروز به آن کارخانه رفتم که و راجع باو پرسیدم ولی و بابن کار موفق شدم.»

افسر پلیس گفت «آری. آنچه شما گفتید این راپورت را تایید میکند (اشاره به یادداشت کرد) حالا مسئله بایستی بدانیم که شما در این کارها چه مداخله دارید.»

من دفتر یادداشت را از روی میز برداشته و دو رقم روی آن نوشتم یکی شماره تلفونی بود در لندن و آن دیگر یک رقم ساده بود و به همپ گفتم

«اگر باین شماره تلفون کنید و بعد این شماره را بخواهید اطلاعات لازمه را درباره من بشما خواهند داد.»

همپ گفت «الساعه همین کار را خواهم کرد (گوشی تلفون را برداشت) خوب - جاسوسها را کسی میداند یه - چنین نیست؟»

من پاسخ دادم «آری - و این کار را ضد جاسوسی مینامیم - این اصطلاح آبرومندانه تر است، و شما خواهش میکنم بمن بفرمائید که در گرتلی بهیچوجه جاسوس وجود ندارد. زیرا ما اکنون اطلاعاتی راجع بوجود آن بدست آورده ایم.»

همپ اظهار داشت «من بهیچوجه چنین قصدی نداشتم. فقط میخواهم بگویم چرا شما این مسائل را از ما پنهان داشته و نمیخواهید با پلیس همکاری کنید.»

من گفتم: «گاهی هم همکاری میکنیم. ولی آخر... بالاخره... نمیشود اطمینان کرد. ممکن است در اداره شهربانی نیز بعضی از اعضای جدی و فعال ستون پنجم خود را جا کرده باشند.»

همپ از جای برجست و [illegible] خورده و مشتهای گنده خود را فشرده و گفت «چه میگوئید؟ آیا این اجازه [illegible] کم [illegible] کشور ما پلیس...»

من کلام او را قطع کرده گفتم «... بسیار خوب است. متأسفانه من هم در این تمرین با شما هم عقیده هستم. ولی من دو بار با کارمندان پلیس که مواد مصدق فاشیستها بودند مصادف شده‌ام.»

او خندیده و با خوشحالی گفت «منهم با اینگونه اشخاص برخورده کرده‌ام.»

در این موقع او را به تلفن وصل کردند و من مشغول پر کردن و کشیدن پیپ خود شدم.

وقتی مکالمه تلفونی پایان یافت من پرسیدم

«خوب چطور؟ من هرچه میدانستم بشما اطلاع دادم حالا نوبت شماست.»

همپ بدون شتاب آغاز سخن کرده چنین گفت

«[illegible] حقیقت امر دو بار اقبال با ما یاری کرد. اول تصور کردیم که یک حادثه سوء عادی است و از روزی که این تاریکی شهر شروع شده از این حوادث بسیار اتفاق میافتد ولی من تصادفا برخوردم که یک قطعه گل به پالتوی اولین چسبیده و در آنجائیکه ما او را یافتیم بهیچوجه گل ولائی وجود نداشت. امروز صبح [illegible] که این گل از کجا به پالتوی او این چسبیده من با دو نفر پاسبان [illegible] و اطراف را بررسی کردیم و یک دفتر یادداشت پیدا کردیم. من تصور میکنم وقتی ضربه را بر او وارد آورده قبل از اینکه از هوش برود هرطور شده این دفتر را دورتر از خود پرتاب کرده.

بعد او را توی همان ماشینی که قبلا او را زیر گرفت گذاشته و حدود ساعت ده و یکربع کم در اسپای مارکت استریت پائین بردند خلاصه اینکه این واقعه یک حادثه سوء عادی شبیه نیست.»

من با من گفتم «من اطمینان دارم که این حادثه ساده نیست. او را کشتند. او را [illegible] از [illegible] کرده [illegible] بمن بگوئید

او می‌گفت [illegible] کرده است. واقعی دفتر یادداشت او پیش شماست؟»

همپ پاسخ داد «آری اینجاست. ولی مثل اینکه هیچ چیز شایان توجهی در آن دیده نمیشود.»

من سؤال کردم که در جیبهای او چه چیز یافته‌اند...

همپ [illegible] از صندوق درآورده و بمن نشان داد و گفت «این صورت اشیائی است که در جیبهای او یافته‌ام - همه چیزهای عادی است. در کیفش پنج گیره و یک شناسنامه و چیزهای بی‌اهمیت دیگر بود. قلم، مداد، [illegible] میکرد و یک قوطی کبریت...»

من گفتم «[illegible] چنین نیست.»

افسر پلیس تعجب کرده گفت «چه کسی در بین نبود؟» من از جای خاسته و با صدای بلند گفتم

«همین الان باید برویم منزل او را تفحص کنیم. همین الساعه که من و شما اینجا نشسته و صحبت میکنیم ممکن است کسی در منزل او مشغول تجسس و زیر و رو کردن اثاثیه اش است.»

همپ خنده کرده گفت «اگر کسی باین فکر بیفتد اولا باید با یک پاسبان [illegible] ۸۰ کیلو [illegible] زیرا الساعه آن پاسبان توی اطاق او نشسته و وقتی من و شما حرکت کردیم جای مرا گرفت. میدانم که شما او را [illegible] البته هم نباید همه چیز را ببینید. خوب راجع بجنگ چرا سؤال کردید؟»

من جواب دادم که هر که وارد کار اداره میشود ابتدا کی که دارای شکل مخصوص میباشد در یافت میدارد و کارمندان اداره مخصوص بوسیله آن یکدیگر را میشناسند و بدیهی است که علاوه بر ارائه آن جملاتی هم وجود دارد که باید فیمابین رد و بدل شود.»

افسر پلیس تبسمی کرده گفت «آری بارل - علامات و اشارات مخصوص راستی شما داستان آموزانی را بخاطرم می‌آورید که برای خود بازی اختراع می‌کنند.»

من گفتم «او لین را وقتی کشته یافتید چه چیز را بخاطرتان آورد؟ آیا این هم شبیه بازی بچه‌های مدرسه بود؟»

همپ با لحن خشکی گفت

«تسلیم شدم. چه باید کرد من یک پلیس ساده هستم و از نازک کاریهای حرفه شما چیزی نمیفهمم.»

من پیپ را از دهان بیرون آورده و با آن به سینه همپ اشاره کرده گفتم

«شما مرا مجبور کردید که اسرار خود را فاش کنم - زیرا من [illegible] بودم که هرچه ممکن است راجع به اولین بیشتر اطلاعات کسب کنم. من [illegible] ندارم با پلیس کار کنم - خیلی جهت شما زیاد است. ولی خیلی خوشحال خواهم شد اگر از این لحظه با شخص شما کار کنم.»

او تبسم فرحبخشی کرده گفت

«منهم باید بگویم خیلی خوشحال خواهم شد.»

من چنین گفتم

«بسیار خوب. ولی قبل از شروع بکار باید مطلبی چند را روشن کنیم. کاری که ما میکنیم شاید شبیه بازی باشد ولی اطمینان داشته باشید که بازی نیست. مثل بازی بهترین دوستان من وزن او را کشتند. علت اینکه من بطور وارد کار شعبه ضد جاسوسی شدم همین است. من یقین دارم که اولین بدبخت را هم یک قاتل نازی کشته است. او را در این شهر جلو چشم شما کشته است. آیا این بازی است؟ باور کنید که این بازی بلندر تانک و هواپیما برای استقرار [illegible] دو روز رفته و پاریک و فرانسه کمک کرد.»

همپ کمی آهسته و با تفکر گفت

«راستی حق با شماست. ولی من آخر پلیس ساده بیش نیستم. من از جاسوسی و عملیات ستون پنجم چیزی سرم نمیشود.»

من گفتم

«شما نباید فراموش کنید که جنگ کنونی بسیار پیچیده است. و آن عقیده رسمی که اینجا در انگلستان به مردم تحمیل می‌شود به عقل و خرد [illegible] نیست در کشورها دائما میخواهند بمردم تلقین کنند که این جنگ جنگ آخری است ولی حقیقت امر غیر از این است.»